الباب الخامس و العشر من الواحد الثامن فی ان فرض لکل…

حضرت باب

اصلی فارسی



## **الباب الخامس و العشر من الواحد الثامن** فی ان فرض لکل احد ان یتأهل لیبقی عنها من نفس یوحد الله ربها و لابد ان یجتهد فی ذلک و ان یظهر من احدهما ما یمنعهما عن ذلک حل علی کل واحد باذن دونه لان یظهر عنه الثمرة و لا یجوز الاقتران لمن لا یدخل فی الدین و من کان مقترنا بنفس یجب علیه الافتراق اذا شاهد منه دون الایمان بالبیان و لم یحل علیه او علیها شیئ الا اذا یرجع فی البیان و قبل ان یرفع امر الله فی یوم ”من یظهره الله“ اذن للمؤمنین و المؤمنات لعلهم یرجعون.

ملخص این باب آنکه در این عالم اعظم ثمراتی که خداوند بعد ازایمان باو و حروف واحد و آنچه در بیان نازل فرموده داده اخذ ثمره ایست از وجود خود که بعد از موت آن آن را ذکر کند بخیر و امر شده در بیان باشد امر حتی آنکه اذن داده شده اگر سبب منع در طرفی مشاهده شود اختیار اقترانی باذن آن تا آنکه ثمره از وجود آن ظاهر گردد لعل ورقی شود از اوراق جنت اگر ایمان آورد ”بمن یظهره الله“ و الا ورقی میگردد از اوراق نار واگر موجود نشود اولی است عدم آن از وجود آن بهتر است

و حلال نیست اقتران الا با نفسی که ایمان آورده باشد در هر ظهوری بظاهر آن ظهور و اگر احدهما اختیار ایمان نمایند اقتران اذن داده نمیشود از برای آن و منع کرده میشود از آنکه ایمان نیاورده حقوق آن زیرا که مالک کلشیئ خداوند است عز و جل و اذن نداده بر غیر مؤمن تملیک شیئ و آنچه بر ایدی غیر مؤمنین می بینی بغیر حق است که اگر حق مقتدری باشد نفسهای ایشان را ازایشان منع میکند الا آنکه ایمان آورند چگونه ما یملک ایشان

الا قبل از ارتفاع کلمة الله که بدء ظهور است اذن داده شده از برای حفظ نفوس مؤمنه ولی حین ارتفاع اذن داده نشده بلکه نمیتواند ورق جنت با ورق نار قرین شود زیرا که کینونیت آن مدد از نفی میبرد وکینونیت آن مدد از اثبات و آن لا شیئ محض است و آن با شیئیت صرف است بامر الله

و سزاوار است بر کل نفوس مشرقه در بیان که از برای خود ثمری از وجود خود اخذ نمایند تا آنکه مکثر شود مراتب اعداد تا آنکه در بحر لا نهایه داخل شود چه در بدء هر ظهوری اعداد نهایه است که درجه بدرجه الی ما لا نهایه منتهی میشود هزار و دویست وهفتاد سال قبل را نظر کن که محمد - صلی الله علیه و اله - بود با امیر المؤمنین از مؤمنین بقرآن و امروز ببین میتوانی احصا نمود این قسم است که الف ما لا نهایه ترقی میکند و بلاغی از برای آن نبوده و نیست

و همچنین مبدأ ظهور بیان را مشاهده کن که تا چهل روز غیر از حروف سین مؤمن بباء نبود احدی و کم کم هیاکل حرف بسمله تقمص ایمان را پوشیده تا آنکه واحد اول تمام شد و بعد مشاهده کن تا امروز که چقدر مکثر شده این واحد قسم بذات مقدس لمیزلی که اگر مبدأ ظهور اسباب ظهور ظاهر شده بود امروز ما علی الارض غیر از مؤمن نبود زیرا که حقیقت نار الله هست که اگر کل داخل شوند در ظل او بنار حب او مسبح میگردند و محمد و موحد و مکبر بلا آنکه از ملک از شیئی منقوص گردد یا بر ملک اوشیئ زاید شود زیرا که از برای خدا بوده آنچه در سموات است وارض و ما بینهما چه ظاهر شود که مظهر حقیقت بظاهر اظهار فرماید یا آنکه کل باسم او اظهار نمایند و درجه بدرجه خواهی دید تا آنکه از حد بلا حد و از نهایة بلا نهایة مشاهده کنی خلق جنت بدع را

و لتتوکلن علی الله ثم فی ایام الله تصبرون.

